

Mr. President,

For your information, this message is my address to Iranian-Americans:

English Translation:

Any discourse, protest, interview, article, commentary, or news analysis that does not — whether deliberately or out of ignorance — identify the Constitution of the Islamic Republic as the root cause of Iran’s misery, and that does not loudly demand the explicit formation of a Constituent Assembly and a new constitution, is neither analysis nor struggle; it is merely distracting the people with political nonsense and pouring water into the mill of the Velayat-e Faqih regime.

Anyone who encourages a military attack on Iran will be recorded as a traitor in history.

Even worse is the idea of “manufacturing a leader.” Suppose a leader emerges who unites the people; suppose the current ruler flees as in 1979; suppose a figure similar to General Fardoust exists who hands over full authority to that manufactured leader, and the military and security institutions also follow him; suppose even a referendum is held with the question: “Clerical Regime: Yes or No?” and the majority votes for that manufactured leader. What would he do next?

Is there any path other than forming a Constituent Assembly and drafting a new constitution?

Do you believe such a manufactured leader would allow the creation of a parliamentary constitution that reflects the full demands of the people?

We mentioned this scenario — despite the impossibility of its first step — to show that even under impossible assumptions, the endpoint is still drafting a new constitution through a Constituent Assembly.

Today, the main discourse inside Iran—among academics and political thinkers—is precisely the formation of a Constituent Assembly and the drafting of a new constitution that separates religion from state and establishes a parliamentary

system. So why do Iranian expatriates not adopt the same demand as the foundation of their political activities?

Go and study the declarations of the “14 Activists,” the “800 Scholars,” and the “17 Courageous Women.”

This is not an empty slogan. If the United States adopts this framework, it becomes the only realistic roadmap for saving Iran.

Read the Constitution of the Islamic Republic. Beyond its internal authoritarianism, it contains eight explicit anti-American clauses. These clauses can serve as justification for aligning U.S. foreign policy with the demands of the Iranian majority.

This is why we continuously write letters to U.S. Senators and to the President—to remind them of these eight points, in hope that the voice of the Iranian people can be heard despite the powerful lobbies in Washington that push aside the demand for constitutional change.

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

هر گفتمان، اعتراض، مصاحبه، مقاله، انشا یا تحلیل خبری که عمداً یا از روی نادانی ریشه بدبختی ملت ایران را به «قانون اساسی جمهوری اسلامی» وصل نکند و مطالبه صریح «تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر قانون اساسی» را فریاد نزند، نه تحلیل است و نه مبارزه؛ فقط سرگرم کردن مردم با کشک سیاسی و آب ریختن به آسیاب همان نظام ولایت فقیه است

هرکس تشویق کننده حمله نظامی به ایران باشد، نامش به عنوان خائن در تاریخ ثبت خواهد شد

احمقانه تر از آن، رهبر تراشی است! فرض کنیم رهبری پیدا شود که همه را متحد کند، و فرض کنیم مانند سال ۵۷ رهبر قبلی فرار کند، و فرض کنیم فردی مانند فردوست وجود داشته باشد که اختیارات کامل را به آن رهبر جدید بسپارد و ارتش و سپاه و همه نهادهای نظامی نیز در اختیار او قرار گیرد، و حتی فرض کنیم رفراندومی برگزار شود با این متن: «رژیم آخوندی: آری یا نه» و اکثریت به این رهبر ساخته شده رأی بدهند؛ آن رهبر ساخته شده چه باید بکند؟

آیا جز تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی جدید راه دیگری دارد؟

آیا تصور می‌کنید چنین رهبری اجازه می‌دهد قانون اساسی یک حکومت پارلمانی که شامل خواسته‌های مردم است نوشته و تصویب شود؟

این مراحل را - با اینکه مرحله اول آن محال است - فقط نوشتیم تا بفهمید حتی در فرض محال هم نتیجه به تشکیل مجلس مؤسسان و نوشتن قانون اساسی ختم می‌شود

اکنون که گفتمان اصلی داخل ایران بین دانشگاهیان و فرهیختگان سیاسی، «تشکیل مجلس مؤسسان و نوشتن قانون اساسی با جدایی دین از حکومت و استقرار حکومت پارلمانی» است، چرا شما ایرانیانی که در خارج نشسته‌اید همین مطالبه را اساس فعالیت خود قرار نمی‌دهید؟

تحقیق کنید که «بیانیه ۱۴ تن»، «بیانیه ۸۰۰ تن» و «بیانیه ۱۷ بانوی شجاع» چه می‌گویند

این یک شعار توخالی نیست؛ زیرا اگر دولت آمریکا با این مطالبه هماهنگ شود، تنها «نقشه راه» واقعی برای نجات ایران خواهد بود

قانون اساسی جمهوری اسلامی را بخوانید؛ جدا از استبداد داخلی، هشت جمله آشکاراً ضد آمریکا در آن نوشته شده است. این هشت جمله می‌تواند بهانه‌ای برای هماهنگ شدن سیاست خارجی آمریکا با خواست اکثریت مردم ایران باشد

به همین دلیل ما به‌طور مستمر با نوشتن نامه به سناتورهای و رئیس‌جمهور آمریکا تلاش می‌کنیم این هشت مورد را یادآوری کنیم، شاید بتوانیم صدای مردم ایران را در شرایطی که لابی‌های پر قدرت در آمریکا شعار «تغییر قانون اساسی» را به حاشیه رانده‌اند، به گوش مسئولان برسانیم